



تصویر روی جلد:
بخشی از یک مشربه
از ورق برنج که با نقره و مس
مرصع‌کاری شده است
هرات ۱۲۰۰-۱۱۸۰/۵۹۷-۵۷۶



انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی

INSTITUTE OF ISLAMIC ART STUDIES PRESS

فلزکاری اسلامی

ریچل وارد

مترجم: دکتر مهناز شایسته فر

ویرایش: نمونه‌خوانی و اسکن تصاویر:

بخش ادبی، فنی و علمی مؤسسه مطالعات هنر اسلامی

گرافیک: میترا بانژاد

امور هماهنگی‌ها و ناظر چاپ: حاج ولی شایسته‌فر

چاپ: اول

لیتوگرافی: غفاری

چاپ و صحافی: گنجینه چاپ تهران

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

سال: بهار ۱۳۸۴

شابک: ۷-۵۸۹۶-۹۶۴

مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، شماره ثبت: ۱۱۳۶۷

تهران، انتهای بزرگراه جلال آل احمد، بلوار مطهری،

پلاک ۴۵ تلفن: ۴۲۱ ۵۷۴۵ - ۴۲۱ ۹۱۳۴ - ۴۲۳۷۹۳۶

قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال

آدرس فروشگاه‌ها:

فروشگاه شماره ۱: انتهای جلال آل احمد، نرسیده به اشرافی اصفهانی،

پلاک ۴۵، نمایشگاه و فروشگاه مطالعات هنر اسلامی

تلفن: ۴۲۱ ۵۷۴۵ - ۴۲۱ ۹۱۳۴ - ۴۲۳۷۹۳۶

فروشگاه شماره ۲: خیابان کارگر شمالی، بین بلوار کشاورز و فاطمی،

موزه هنرهای معاصر، نمایشگاه و فروشگاه کتاب، تلفن: ۸۹۶۵۴۱۱

فروشگاه شماره ۳: فروشگاه‌های سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد

فروشگاه شماره ۱- خیابان امام خمینی، نیش خیابان شهید

میردامادی (استخر)، تهران ۱۱۳۷۹۱۳۱۴۵ تلفن: ۶۷۰۲۶۰۶

فروشگاه شماره ۲- نشر زلال، خیابان انقلاب،

خیابان ۱۶ آذر، تهران ۱۴۱۷۹۲۵۸۱۴ تلفن: ۶۴۱۹۷۷۸

فروشگاه شماره ۴: میدان انقلاب، ابتدای خیابان کارگر جنوبی، نیش

خیابان وحید نظری، مجتمع تجاری نادر، طبقه اول،

انتشارات فرهنگسرای میردشتی، تلفن: ۶۴۹۶۶۱-۲

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

Ward, Rachel M.

وارد، ریچل

فلزکاری اسلامی / تألیف ریچل وارد؛ ترجمه مهناز شایسته فر - تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۴.

۱۲۸ ص: مصور.

ISBN 964-5896-07-x

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

Islamic metalwork.

عنوان اصلی:

۱. فلزکاری هنری اسلامی. ۲. فلزکاری هنری قرون وسطی -- کشورهای اسلامی. الف. شایسته فر، مهناز.

۱۳۲۲ - مترجم. ب. مؤسسه مطالعات هنر اسلامی. ج. عنوان.

۷۳۹ / ۹۱۷۶۷۱

۸ ف ۴۰۸ / ۹۱ و ۸

۱۳۸۳

م ۸۱ - ۱۳۷۸۵

کتابخانه ملی ایران

فکرکاری اسلام

ریچل وارد

ترجمه: دکتر مهناز شایسته فر



انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی
INSTITUTE OF ISLAMIC ART STUDIES PRESS

فهرست

۵	سخن مترجم	
۹	فلزکاری اسلامی چیست؟	فصل اول:
۲۱	صنعتگران، حامیان، فلزات و تکنیک‌ها	فصل دوم:
	تداوم و تغییر:	فصل سوم:
۳۸	۹۰۰-۶۰۰ پس از میلاد/ ۲۸۷	
	شیوه‌ی جدید:	فصل چهارم:
۵۱	۱۱۰۰-۴۹۴/۹۰۰-۲۸۷	
	سطح برجسته و درخشان:	فصل پنجم:
۷۱	۱۳۰۰-۷۰۰/۱۱۰۰-۴۹۴	
	شعرو تبلیغات:	فصل ششم:
۹۵	۱۵۰۰-۹۰۶/۱۳۰۰-۷۰۰	
۱۲۲	نقشه‌ی جهان اسلام	
۱۲۴	منابع مطالعاتی بیشتر	

سخن مترجم

در دوره‌ی اسلامی ظروف سفالی بیش از فلز استفاده می‌شد، از این سو ظروف فلزی کمتر تولید شده و در دوره‌ی اسلامی از فلز بیش‌تر برای ساخت ادوات جنگی و نظامی استفاده می‌شد. به دلیل کراهات شرعی، استفاده از ظروف زرین و سیمین، منسوخ شد و به کارگیری آن مرسوم نبود مگر در مواردی که امر دستور ساخت این ظروف را صادر می‌کردند.

از تکنیک‌های فلزکاری دوره‌ی اسلامی می‌توان به اشیای ساخته شده از ورقه‌های فلزی و چکش‌کاری و اشیای ریخته‌گری شده با روش قالب‌گیری و روش‌های حکاکی، برجسته‌کاری (جُنده‌کاری) و مرصع‌کاری اشاره نمود. همچنین بر روی ظروف باقی‌مانده از دوران اولیه‌ی اسلامی، سیاه‌قلم، مینا‌کاری و گاهی زراندود دیده می‌شود.

با گذشت چهار سده از استیلای اسلام بر ایران، تغییراتی در شکل و تزیینات ظروف فلزی پدید آمد که در سده‌ی پنجم و ششم به اوج رسید. سلاطین سلجوقی از هنر، حمایت چشمگیری کردند و فلزکاری در «مکتب فلزکاری خراسان» تا هجوم مغول ادامه یافت. تکنیک نقشمایه‌های ساسانی کم و بیش تا دوره‌ی سلجوقی به طول انجامید. پس از گذشت حدود پانصد سال از نفوذ اسلام سبک ویژه‌ی فلزکاری اسلامی کم‌کم به ظهور و اوج خود رسید. امضای سازنده، گراورساز و کارورز و ریخته‌گر در این آثار، دیده می‌شود.

از فلزات کثیرالاستعمال دوره‌ی سلجوقی می‌توان مفرغ را نام برد که گاه آن را با نقره یا مس و پاره اوقات با تزیینات مینایی خاتم یا مشبک‌کاری می‌کرد. مفرغ‌های شمال شرقی ایران، به دلیل زنگاره‌ی درخشانی که به آن اضافه می‌شد، رنگ قهوه‌ای متمایل به قرمز و سبز سیر داشت ولی اشیای خاتم‌کاری نقره یا مس دارای زنگاره‌ی روشن بود. تعدادی از اشیای فلزی که دارای الگوهای سنتی بودند، عبارتند از: بخوردان‌های خاتم یا مشبک‌کاری که اغلب به شکل حیواناتی نظیر شیر و پرنده بودند. دسته‌ی هاون، آینه و شمعدان و تنگ‌های گلابی شکل مناطق کوهستانی، از این گروه‌اند. مشخصه‌ی تزیینی این اشکال، شامل کتیبه‌هایی به خط کوفی یا نسخ و پیکره‌ی حیوانی با زمینه‌ی اسلیمی‌های گیاهی و قاب‌بندی بود که در آن‌ها تصاویر جنگ نوازان و گریفین‌ها (شیردال)، حکاکی شده است.

سلجوقیان، نوشیدنی را در ظروف بزرگ فلزی نگه‌داری می‌کردند و در پارچ‌های کوچک‌تر ریخته و درون فنجان‌های فلزی دسته‌دار می‌نوشیدند. بخوردان‌های فلزی برای معطر ساختن منزل (هنگام میهمانی) استفاده می‌شد که آن را روی بشقاب‌های مخصوص یا

بر پایه های فلزی قرار می دادند. سلجوقیان، آلات در و رودی خانه، مانند کوبه، مال بند، گل میخ، کلون، پاگرد، جفت، زر و قفل را از آهن می ساختند و مشعل ها را با پایه های فلزی روشن می کردند. افراد با سواد و مستوفیان دوات و قلمدان را از فلز می ساختند و جعبه ی آرایش و جواهرات زنان نیز از فلز ساخته می شد. پیشه های مختلف، مستلزم داشتن ادوات فلزی مخصوص بود. از اسطرلاب در پیش بینی جنگ، تولد نوزاد، طالع بینی و تعیین ساعت استفاده می شد. در این دوره روی ظروف نفیس فلزی، امضای سازنده حک نمی شد که برگرفته از فلزکاری ساسانی و هخامنشی است.

از اوان دوره ی سلجوقی تا اواخر حکومت صفوی نقاشان، خطاطان، فلزکاران و شاعران، در خلق آثار هنری مشارکت داشتند. آن ها هنر ایرانی را بر مبنای تزیین استوار کرده و کتیبه نویسی بر اشیای رایجی از ارکان اصلی هنر ترین ایرانی می دانستند. متن کتیبه های این زمان شامل دعا، آیات قرآنی، اندرز و حدیث به خط کوفی یا نسخ و ثلث عربی است، اما اشعار فارسی عموماً با خط فارسی نوشته می شد. خط کوفی در کتیبه ها بیش تر از نظر تلقین، الهام، حرمت و اصالت برای بیننده خوشایند بود. متن دعا بر روی اشیایی که برای مالک بی نام و به صورتی ساده نوشته می شد، چنین بود: «برکه و یمن و سرور لصاحبه» یا «سلامه و نصر و رحمه لصاحبه» گاهی به جای دعا برای صاحب ظرف، طلب اقبال، ثروت و سرنوشت می کردند و این نوع کتیبه ها را با خط نسخ یا ثلث می نوشتند.

صنعت فلزکاری که در شمال شرق ایران، خراسان و ماوراءالنهر شکوفا شده بود، از تهاجمات مغولان لغزات زیادی متحمل شد اما فعالیت این صنعت در خلال سده ی سیزدهم /هفتم متوقف نگردید. آغاز شکوفایی هنر فلزکاری پس از حمله ی مغولان از اوایل سده ی سیزدهم /هفتم از غرب ایران، پدیدار شد و به تدریج تا اواسط سده ی چهاردهم /هشتم به خطه ی فارس و غرب خراسان نفوذ یافت.

استناد ما در این مورد، بیش تر بر پایه ی اشیای مسی، مفرغی و برنجی این دوران نظیر پایه های چراغ، مشعل، هاون، مشرب و سایر آثار هنری است که از فلزکاران این سده به جای مانده. در این دوران هنوز به کار بردن کتیبه ی عربی بر روی اشیای فلزی در میان فلزکاران ایرانی رواج داشت. به کلامی دیگر، نفوذ هنر فلزکاری خراسان که پیش از حمله ی مغولان تا اقصی نقاط غربی کشور، یعنی تا حدود دیاربکر از زنجان و موصل پیشرفت کرده بود (این نقاط از آسیب یورش های مغولان تا حدی در امان مانده بود)، در این زمان از نواحی غربی کشور به سرزمین اصلی ایران بازگشت و به ویژه در فارس و خراسان مجدداً رونق و گسترش یافت.

پس از به قدرت رسیدن تیموریان و تشویق فلزکاران، هنر خاص فلزکاری تیموری پدیدار گردید. در این دوران فلزکاران در بدو امر، اشیای فلزی را به صورت بی پیرایه، ولی با برآمدگی و محدب و مقعر ساختن بدنه ی اشیاء، غالباً با کتیبه و نوشتار به خطوط گوناگون عربی که خطاطان، مبتکر آن بودند، مزین می ساختند. در عصر شاه رخ و بایسنقر و سایر شاهزادگان و امیران تیموری، هنر فلزکاری رونق و حیات عصر سلجوقی را باز یافت و فلزکاران این زمان، توانستند به ویژه در هرات، مرکز خراسان، اشیای مختلف را از مس، برنج، مفرغ، آهن و فولاد در ساخت ظروف و اسلحه ی سرد، نقره کاری و طلاکوبی کنند.

با روی کار آمدن دودمان صفوی باب تازه ای در مکتب هنر ایران گشوده شد و ایران پس از چند سده که تحت حکومت های ملوک الطوائفی می زیست، صاحب حکومت ملی و مرکزی گشت. اگر چه هر یک از امیران نواحی مختلف کشور، هنرمندان را مورد تشویق و حمایت خود قرار می دادند، با این وجود، عصر طلایی هنر ایران مقارن حکومت همین دودمان بوده است. سه نفر از سلاطین این سلسله مانند شاه اسماعیل، شاه طهماسب و شاه عباس که خود از هنر خط و نقاشی بهره ی کافی داشتند، در پیشرفت هنر سعی وافیه انجام داده و هنرمندان را در این رشته، تشویق و حمایت کردند.

در فلز کاری عصر صفوی که بر پایه‌ی سنت‌های قدیم و مهارت فلزکاران این دوره استقرار یافت، چیره دستی و نبوغ هنرمندان این عصر، به چشم می‌خورد. طراحان و نقاشان این زمان با ابداع شیوه‌های جدید، موازین تازه‌ای را در سبک‌های خود ایجاد کردند و در موارد بسیاری شکل و ترکیب اشیای قدیمی را که ظاهری خشن و بزرگ داشت، کنار نهادند. در این زمان، زیبایی و ظرافت، جایگزین شدت و خشونت قدیم شد، مثلاً شمعدان‌های حجیم و بزرگ سلجوقی که بر روی بدنه‌ای طبل مانند قرار گرفته بود و همچنین طشت‌های بزرگ دارای دیواره‌ی بلند و تنگ‌های سنگین و حجیم، منسوخ شد و جای خود را به شمعدان‌های خوش قواره و زیبا و ظروف ظریف کوچک یا پارچه‌هایی کوتاه با اشکال موزون داد. تعدادی از این گونه ظروف و اشیاء که با سبک تازه و ویژه‌ای از مفرغ و برنج با درپوش گنبدی شکل ساخته شده بودند و کتیبه‌هایی از نقره و یا طلاکوبی شده به خط خوش نسخ و نستعلیق داشتند، طرفداران بسیاری در داخل و خارج از کشور پیدا کرده است.

فلزکاران این دوره با الهام از دواصل تشیع و ملی‌گرایی که در آن زمان در کلیه‌ی شئون اجتماع راه یافته و در حال گسترش و توسعه بود، کار می‌کردند و هنرمندان هم این اصول را در کارهای خود منظور می‌داشتند، مثلاً در نقره کوبی و حکاکی ظروف، پایه‌های شمعدان و بخوردان‌ها، نوشتار اشعار فارسی با خطوط خوش نستعلیق، جایگزین کتیبه‌های عربی شد. به کارگیری آیات قرآنی و اسامی دوازده امام یا چهارده معصوم در این دوره به علت نفوذ تشیع به شدت باب شد و کتابت آن‌ها بیشتر با خطوط نسخ و ثلث بود. سایر نوشتارهای این زمان بر روی آثار فلزی به خط نستعلیق زیبا توسط خوشنویسان و توأم با نقش گل و برگ یا ترکیبات متنوع خطوط اسلیمی و هندسی صورت می‌گرفت.

به هر حال، صبر و بردباری این دسته از هنرمندان در تکامل این فن ظریف و مشکل که در جهان هنری سابقه بود، هنر فلز کاری را در ایران دوره‌ی صفوی به اوج کمال و جمال رسانید که امروزه نمونه‌های مختلف این هنر والا و نفیس، زینت افزای موزه‌های بزرگ جهان است. آنچه که در صفحات آینده از نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت حاصل بررسی، تلاش و زحمات چندین ماهه، همراه با علاقه و عشق به هنر اسلامی بوده که با توکل بر خداوند بزرگ به انجام رسیده است. در این جاسپاسگزاری صمیمانه خود را از برخی کسانی که در به انجام رساندن این کتاب مرایاری داده اند ابراز می‌دارم؛ آماده سازی متن ترجمه شده‌ی حاضر با زحمات خانم‌ها نارملا لطیفیان که با دقت و حوصله مطابقت متن ترجمه شده با متن اصلی را انجام داده، زهره شایسته فر که با تبهر و مهارت قابل توجه اسکن تصاویر را بر عهده داشته، سرور اسلامی و الهام مصلحی که با دقت و حوصله و حفظ امانتداری، ویرایش ترجمه کتاب و همچنین مقابله و تصحیح نمونه‌های حروف چینی شده را، علیرغم حساسیتی که در مورد سلیس بودن متن ترجمه شده از طرف مترجم وجود داشت، بر عهده داشته و افسانه سلیمانی که با بردباری، دقت و مهارت کافی متن دست‌نویس را تایپ و بارها و بارها تصحیح نموده، و در انتها خانم میترا بانزاد که صفحه‌آرایی و امور گرافیکی اثر را با خلایق و تبهر کافی بر عهده داشته، به انجام رسیده است. برای خدمات فرهنگی این عزیزان آرزوی بهروزی بیش‌تر از درگاه احدیت مسئلت دارم. با همه این‌ها هرگونه انتقاد و نظر اصلاحی خوانندگان گرامی را راجع نهاده و خود را ملزم به رعایت آن در چاپ‌های بعدی می‌دانم.

محبت‌ها و تشویق‌های مداوم عزیزانم عرفان، رضوان و آقای دکتر محمد خزایی همیشه راهگشای ارزشمندی در تداوم ترجمه و تدوین کتب هنر اسلامی بوده است. خداوند بزرگ را به واسطه رحمت بی‌منتهاش شاکرم که مرایاری داد تا مکمل ارزشمند دیگری را به مجموعه آثار هنر اسلامی بیفزایم. امید است به یاری خداوند ترجمه این کتاب برای هنردوستان و علاقه‌مندان به هنرهای سنتی و اسلامی قابل استفاده و راهگشا در مطالعات بعدی فلز کاری اسلامی باشد.